

وزیر نیرو: با همراهی مردم

تا پایان خرداد خاموشی نداریم

وزیر نیرو با بیان اینکه از ابتدای آبان امسال تاکنون، وضعیت شبکه برق بسیار مطلوب بوده و هیچ‌گونه خاموشی برنامه‌ریزی‌شده در هیچ‌یک از بخش‌های مصرف اعمال نشده است، گفت: این در حالی است که در همین بازه زمانی سال گذشته با کسری تولید و محدودیت‌هایی مواجه بودیم. عباس علی‌آبادی با اشاره به شرایط مناسب مخازن سوخت، افزود: اکنون بیش از ۹۰ واحد نیروگاهی در حالت آماده‌به‌کار هستند و در صورت تأمین سوخت، می‌توانند در شرایط اضطراری وارد مدار شده و جایگزین واحدهای فعال شوند. به‌طور مشخص ۹۳ واحد نیروگاهی آمادگی کامل برای جایگزینی دارند و این مجموعه اقدامات نشان‌دهنده پهبود قابل توجه در مدیریت تولید، تأمین سوخت و پایداری شبکه برق کشور است. وزیر نیرو بیان کرد: با ادامه همین روند و همراهی مردم، تا پایان خرداد سال آینده با چالش جدی در تأمین برق روبه‌رو نخواهیم شد.

■ ■ ■

گران شدن برق مصرفی واحدهای صنعتی انرژی‌بر از سال ۱۴۰۷

با تصویب هیات وزیران، چارچوب جدیدی برای مدیریت مصرف برق واحدهای صنعتی انرژی‌بر و واحدهای تجاری تعیین شده است که بر اساس آن، از ابتدای سال ۱۴۰۷ بخشی از برق مصرفی این مشترکان با مبنای قیمتی متفاوت محاسبه می‌شود؛ با این حال خرید برق تجدیدپذیر از «تابلوی سبز» بورس انرژی، امکان خروج از شمول این مصوبه را فراهم می‌کند. مطابق بند یک این مصوبه، وزارت نیرو مکلف است از ابتدای سال ۱۴۰۷، بهای سوخت مبنای محاسبه تعرفه برق را برای ۱۵ درصد از برق مصرفی واحدهای صنعتی انرژی‌بر با مصرف بیش از یک مگاوات، معادل ۷۵ درصد قیمت گاز صادراتی محاسبه کند، این در حالی است که بر اساس تکالیف ماده ۱۶ قانون چشم چشم تولید دانش‌بنیان، صنایع مزبور موظفند تا سال ۱۴۰۶ سهم تأمین برق از منابع تجدیدپذیر را سالانه حداقل یک درصد افزایش دهند تا این سهم به ۵ درصد برسد. بر پایه این مصوبه، سازوکار مشابهی نیز برای واحدهای تجاری پیش‌بینی شده و بهای سوخت مبنای محاسبه تعرفه برق برای ۱۵ درصد از برق مصرفی این واحدها نیز معادل ۷۵ درصد قیمت گاز صادراتی تعیین شده است. نکته حائز اهمیت این است که مشترکان مشمول، به میزانی که نسبت به خرید برق تجدیدپذیر از تابلوی برق سبز بورس انرژی اقدام کنند، از شمول این تصویب‌نامه مستثنی خواهند شد؛ موضوعی که عملاً خرید برق پاک را به عنوان یک ابزار تنظیمی و اقتصادی برای مدیریت هزینه انرژی، پیش روی صنایع و واحدهای تجاری قرار می‌دهد. این تصویب‌نامه هیات وزیران را می‌توان گامی مهم در جهت اصلاح سیاست‌های قیمتی انرژی در راستای توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر کشور دانست، چراکه این مصوبه با اصلاح مبنای محاسبه تعرفه برق برای بخشی از مصرف واحدهای صنعتی انرژی‌بر و واحدهای تجاری، عملاً یک سازوکار تنظیمی مبتنی بر سیگنال قیمتی ایجاد خواهد کرد که می‌تواند رفتار مصرف‌کنندگان بزرگ برق را تحت تأثیر قرار دهد. به بیان دیگر، صنایع میان پرداخت هزینه بالاتر برای تأمین برق با حرکت به سمت خرید برق تجدیدپذیر، امکان انتخاب خواهند داشت؛ چنین رویکردی در ادبیات سیاست‌گذاری انرژی، ذیل تنظیم‌گری مبتنی بر قیمت تعریف می‌شود. ارزیابی کارشناسان نشان می‌دهد اجرای این مصوبه می‌تواند موجب تقویت تقاضای مؤثر برای برق تجدیدپذیر، افزایش پیش‌بینی‌پذیری آینده سرمایه‌گذاری در این حوزه و کاهش فشار بر منابع سوخت فسیلی شود. به بیانی دیگر با اجرای این مصوبه انگیزه اقتصادی برای خرید از تابلوی برق سبز ایجاد می‌شود که می‌تواند به افزایش حجم معاملات و عمق بازار برق سبز در بورس انرژی منجر شود. همچنین رشد تقاضای صنعتی برای برق تجدیدپذیر، سیگنال مثبتی برای سرمایه‌گذاران این حوزه ارسال خواهد کرد و امکان توسعه ظرفیت نیروگاهی را تسهیل خواهد کرد؛ ضمن اینکه هدفاتی بخشی از مصرف برق صنایع به سمت منابع تجدیدپذیر نیز در میان‌مدت می‌تواند به کاهش مصرف گاز طبیعی در بخش نیروگاهی کمک کند. تداوم و تکمیل این مسیر مستلزم تقویت زیرساخت‌های بازار، افزایش ظرفیت عرضه تجدیدپذیر و ایجاد اطمینان بلندمدت برای فعالان صنعتی و سرمایه‌گذاران است.

■ ■ ■

رشد ۱۵ درصدی تولید فولاد ایران در نخستین ماه ۲۰۲۶



انجمن جهانی فولاد جدیدترین آمار تولید فولاد جهان را منتشر کرد. بر اساس این آمار، تولید جهانی فولاد خام در ۶۹ کشور در نخستین ماه میلادی ۲۰۲۶ به ۱۴۷ میلیون و ۳۰۰ هزار تن رسید که در مقایسه با ژانویه سال گذشته میلادی (۲۰۲۵) ۶۵ درصد کاهش داشته است. فولادسازان ایرانی در نخستین ماه میلادی امسال، ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تن فولاد تولید کردند که در مقایسه با ژانویه ۲۰۲۵ رشد ۱۵ و یک دهم درصدی را نشان می‌دهد. بر اساس آمار انجمن جهانی فولاد، تولید فولاد چین در نخستین ماه میلادی روند کاهشی داشته است، به طوری که بر اساس برآوردها، در ژانویه ۲۰۲۶ فولادسازان چینی ۷۵ میلیون و ۲۰۰ هزار تن فولاد خام تولید کردند که در مقایسه با ژانویه ۲۰۲۵، ۹ و یک‌دهم‌رصد کاهش داشته است.



ارزیابی ریشه‌های جهش دوباره قیمت مسکن در پی رکود عمیق ساخت‌وساز و کمبود عرضه

تورم در بازار بی‌مشتري!

قیمت‌های نجومی را ندارند. در چنین شرایطی، کوچک‌ترین تکانه‌ای در سمت عرضه می‌تواند قیمت‌ها را به‌سرعت تغییر دهد و این همان اتفاقی است که اکنون رخ داده و بازار سیگنال این را گرفته که فعلاً خبری از عرضه نهضت مسکن ملی نیست و همین سیگنال کافی بود تا فروشنده‌ها روی کاغذ دوباره قیمت‌ها را بالا ببرند. با وجود شرایط رکود، وزارت راه و شهرسازی که بیش از یک‌سال‌ونیم است پروژه نهضت ملی مسکن را در اختیار دارد، عملاً هیچ پیشرفت	گروه اقتصادی: در هفته‌های اخیر دوباره قیمت مسکن جهش یافته که نه ناشی از رونق ساخت‌وساز است و نه نتیجه افزایش تقاضای واقعی، بلکه بیش از هر چیز محصول کمبود عرضه و رکود عمیق ساخت‌وساز در کشور است. بازار مسکن مدت‌هاست در سکوتی سنگین فرو رفته که نشانه آرامش و ثبات نیست، بلکه نشان‌دهنده بازاری از کارافتاده است. معاملات به حداقل رسیده، پنگاه‌ها روزهای بی‌مشتري را یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذارند و مردم حتی توان نزدیک شدن به
--	---

کندی پیشرفت فیزیکی پروژه‌ها

هم‌اکنون آمارهای رسمی وزارت راه نشان می‌دهد ۷۰۷ هزار واحد در دست ساخت است؛ بخشی از آنها حتی مربوط به طرح اقدام ملی دولت قبل است. پیشرفت فیزیکی پروژه‌ها در ۳ ماه اخیر در حد درجا زدن بوده، در حالی که همین پاییز امسال بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان اقساط از متقاضیان آورده اخذ شده است. البته وزارت راه و شهرسازی مدعی شده پیشرفت فیزیکی طرح‌ها امسال ۳۰ درصد بوده اما این ادعا با نشان‌دهنده خطای آماری است با اضافه شدن پروژه‌های ۹۰ درصدی برای بالا بردن میانگین پیشرفت، در هر ۲ حالت، نتیجه می‌گوید پروژه‌ها عملاً تکان نخورده‌اند. وقتی وزارت راه و شهرسازی تحویل همین ۷۰۰ هزار واحد را به ۲ سال دیگر حواله داده، چطور در ۶ ماهه نخست سال بیش از ۳۰ درصد پیشرفت فیزیکی رخ داده است. از طرف دیگر بسیاری از این پروژه‌های که وزارت راه تحویل گرفته قبلاً تا ۱۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته‌اند.

در کنار این عقب‌ماندگی، حذف گسترده متقاضیان مسکن نیز مساله مهمی است. وزارت راه اکنون فقط درباره

»متقاضیان مؤثر« صحبت می‌کند؛ یعنی کسانی که توان پرداخت آورده‌های سنگین را دارند. بنابراین میلیون‌ها نفر که به دلیل فشار اقتصادی نتوانسته‌اند آورده اولیه را تأمین کنند، عملاً از آمار حذف شده‌اند. این یعنی دولت به جای حل مساله تأمین مالی، صورت مساله را پاک کرده و این در حالی است که پروژه نهضت مسکن ملی عملاً برای خانه‌دار کردن دهک‌های پایین جامعه بوده و حالا همان‌ها از پروژه حذف شده‌اند. به نظر می‌رسد دولت فعلاً از نهضت مسکن ملی برای جمع کردن نقدینگی استفاده می‌کند نه رفع مشکل مسکن دهک‌های پایین جامعه.

از سوی دیگر، دولت وعده می‌دهد ۸۵۴ هزار واحد را ظرف ۳ سال آینده تکمیل می‌کند، در حالی که در ۲ سال گذشته هیچ واحدی بهره‌برداری نشده است. اگر در دوره‌ای که طرح تازه آغاز شده بود و تورم مصالح کمتر بود، تنها یک‌سوم کار جلورفت، چگونه قرار است ۷۰ درصد باقیمانده

در ۳ سال آینده و در شرایط کمبود منابع، تورم شدید و ناتوانی بانک‌ها تکمیل شود؟ این وعده‌ها بیشتر شبیه تمهید سالانه یک رویاست که هر سال ۳ سال دیگر عقب می‌رود.

رفتار خریداران نیز در این میان قابل توجه است. برخلاف دوره‌های گذشته که کوچک‌ترین تنش سیاسی یا منطقه‌ای بازار مسکن را به رکود می‌کشاند، این بار بازار واکنش متفاوتی نشان داده است. خریداران به این جمع‌بندی رسیده‌اند که حتی در صورت بروز مشکلی، زندگی ادامه دارد

بازگشت تورم مسکن و احتمال ورود بازار به دوره‌ای از رکود تورمی

و اگر شرایط به سمت ثبات حرکت کند، قیمت‌ها از این هم بالاتر خواهد رفت. همین تصور باعث شده بخشی از تقاضا دوباره فعال شود و به افزایش قیمت‌ها دامن بزند. با وجود رشد اخیر قیمت، مسکن همچنان نسبت به تورم عمومی و بازارهای ارز و طلا عقب است و همین فاصله، زمینه ادامه افزایش قیمت‌ها را فراهم می‌کند.

در کنار این عوامل، مساله خانه‌های خالی نیز نمی‌تواند کمکی به آرامش بازار کند. اگرچه آمارهای سال‌های گذشته از وجود حدود ۲.۵ میلیون واحد خالی خبر می‌داد اما بخش عمده این واحدها در مناطق لوکس و نیمه‌لوکس ساخته شده‌اند که متقاضی واقعی توان خرید ندارد. بنابراین حتی اگر تعداد

هم تأمین نمی‌کند. برآوردها نشان می‌دهد اکنون با کسری حدود ۶ میلیون واحد مسکونی مواجهیم که هر سال بزرگ‌تر می‌شود و فشار آن مستقیماً بر دوش مستأجران و خریداران قرار می‌گیرد. در واقع در سال‌های قبل از دولت پزشکیان اگر سالانه حدود ۴۰۰ هزار واحد ساخته می‌شد، در ۲ سال اخیر حتی نصف این میزان در کشور مسکن ساخته نشده است.

هم تأمین نمی‌کند. برآوردها نشان می‌دهد اکنون با کسری حدود ۶ میلیون واحد مسکونی مواجهیم که هر سال بزرگ‌تر می‌شود و فشار آن مستقیماً بر دوش مستأجران و خریداران قرار می‌گیرد. در واقع در سال‌های قبل از دولت پزشکیان اگر سالانه حدود ۴۰۰ هزار واحد ساخته می‌شد، در ۲ سال اخیر حتی نصف این میزان در کشور مسکن ساخته نشده است.

هم تأمین نمی‌کند. برآوردها نشان می‌دهد اکنون با کسری حدود ۶ میلیون واحد مسکونی مواجهیم که هر سال بزرگ‌تر می‌شود و فشار آن مستقیماً بر دوش مستأجران و خریداران قرار می‌گیرد. در واقع در سال‌های قبل از دولت پزشکیان اگر سالانه حدود ۴۰۰ هزار واحد ساخته می‌شد، در ۲ سال اخیر حتی نصف این میزان در کشور مسکن ساخته نشده است.

هم تأمین نمی‌کند. برآوردها نشان می‌دهد اکنون با کسری حدود ۶ میلیون واحد مسکونی مواجهیم که هر سال بزرگ‌تر می‌شود و فشار آن مستقیماً بر دوش مستأجران و خریداران قرار می‌گیرد. در واقع در سال‌های قبل از دولت پزشکیان اگر سالانه حدود ۴۰۰ هزار واحد ساخته می‌شد، در ۲ سال اخیر حتی نصف این میزان در کشور مسکن ساخته نشده است.

است. شاید دلیل این سکوت، سنگینی اعتراف به ناکارآمدی در حوزه‌ای باشد که مستقیماً با زندگی مردم گره خورده است اما نتیجه این انکار، چیزی جز اتلاف زمان و تشدید چالش آن نیست. بازار مسکن امروز در رکودی عمیق فرو رفته، زیرا نهضت ملی مسکن نتوانسته عرضه جدیدی ایجاد کند و مردم نیز توان خرید ندارند. این ترکیب، بازار را در وضعیتی قفل شده قرار داده که نه سازنده انگیزه ساخت دارد و نه خریدار توان ورود.

تبعات تأخیر در تحویل واحدهای نهضت ملی مسکن بسیار فراتر از یک پروژه نیمه‌تمام است. هر ماه تأخیر، به معنای عقب ماندن بیشتر عرضه از تقاضاست که مستقیماً به افزایش قیمت‌ها منجر می‌شود. مستأجران با هر سال تأخیر فقیرتر می‌شوند، زیرا اجاره‌ها با سرعتی بسیار بیشتر از درآمدها رشد می‌کند. سازندگان نیز به دلیل بی‌ثباتی و نبود حمایت مؤثر از بازار خارج می‌شوند و

ظرفیت ساخت‌وساز کشور کوچک‌تر می‌شود. بانک‌ها که قرار بود تأمین مالی پروژه را بر عهده بگیرند، زیر بار تورم و کمبود منابع، عملاً از چرخه خارج شده‌اند. در نهایت، تأخیر در تحویل این پروژه نه تنها مشکل مسکن را حل نمی‌کند، بلکه آن را چند برابر می‌کند.

از عوامل تشدید مشکل مسکن تبدیل شده است. هر سال تأخیر به معنای عقب ماندن از نیاز واقعی کشور است که سالانه حداقل یک میلیون واحد جدید است. وقتی دولت در بهترین حالت تنها بخشی از این عدد را وعده می‌دهد آن هم با تأخیرهای پیاپی، بازار راهی جز افزایش قیمت ندارد. این چرخه معیوب تا زمانی ادامه خواهد داشت که دولت به جای وعده‌های تکراری، واقعیت را بپذیرد و برای افزایش عرضه واقعی، برنامه‌ای عملی و قابل اجرا ارائه کند.

ظرفیت ساخت‌وساز کشور کوچک‌تر می‌شود. بانک‌ها که قرار بود تأمین مالی پروژه را بر عهده بگیرند، زیر بار تورم و کمبود منابع، عملاً از چرخه خارج شده‌اند. در نهایت، تأخیر در تحویل این پروژه نه تنها مشکل مسکن را حل نمی‌کند، بلکه آن را چند برابر می‌کند.

ظرفیت ساخت‌وساز کشور کوچک‌تر می‌شود. بانک‌ها که قرار بود تأمین مالی پروژه را بر عهده بگیرند، زیر بار تورم و کمبود منابع، عملاً از چرخه خارج شده‌اند. در نهایت، تأخیر در تحویل این پروژه نه تنها مشکل مسکن را حل نمی‌کند، بلکه آن را چند برابر می‌کند.